خشونت اجتماعي؛ ريشه هاو برون رفت

فرزانه رسانه | كارشناس ارشد روانشناسي |

بت به دیگران) و دومی پرخاشــگری رو به

ر کردن درون(پرخاشگری نسبتبه خود)! از طرفی، خشــونت اجتماعی در نتیجه نیاز به

كنتُرل نيز ايجادمي شود برخى افراد براى بر آورده

کردن این نیاز مرضی، که باید کنتــرل امور را به دست بگیرندواز این طریق احساس قدرت کنند،

به دیگران پرخاش می کنند تابه اصطلاح، دیگران حساب کار دستشان بیاید! مثال این افراد فراوان

سسب در رسسس پیپرید مدل بین طراح دروس است که برای پنهان کردن احساس حقارت عمیق خود دست به پرخانسگری میزنند. این گونه افراد در همه اقسار جامعه نیز دیده می شسوند مانند برخی مدیران، سیاستمداران، کارفرمایان،

کارمنسُدان و…!عُلاوه بر این، گاهی پرخاُسُگری

پاسے خی فتاری ہے تہدیدی واقعے یا خیالی

ــار روانی، تنش، ترس و تهدید به نحوی موجب پرخاشگری می شود. برای مثال، دانشجویی که توسط استاد خود تهدید شده که

نمره نخواهد گرفت،ممكن است خشمگين شود

براســاس یکــی از نظریههــای روانشناســ

اجتماعــی کــه بــه نظریه

" "رت" . است، پرخاشگری در نتیجه

مشاهده ويادگيسري رفتار

يرخاشــگرانه از الگويــي كه

می گیرد. براساس ایس

األبرت بندوراه معتقد

استُ که پرخاشُگری مولفه

أموخته شدواي است كه از

طريق سينما و تلويزيون وُ

الگوهای مشـابه یاد گرفته

می شـود. در چندسال اخیر

توجه زیادی به تأثیر مخرب الگوها در ایجاد رفتارهای

بسیاری از کارتونها، فیلمها

و بازی هـای رایانـهای کـه

پرخاشـگرانه شـده

برای کودکان و نوجوانان ساخته شده و محصول

کشورهای غربی اُست، پرخاشگری را در کودکان

سروردی بین ست پر سرک رو در بردی نهادینه می کند.داین موضوع در خانوادههانید باید مورد توجه قرار گیرد والدینی که مدام پر سر مسائل جزیی در خانواده باهم جروبحث می کنند، الگویی برای پرخاشگری فرزند خود محسوب

میشــوندافــرادی کــه دارای شــخصیتهای

ضداجتماعی هستند نیز جزء دسته افرادی هستندكه رفتار پرخاشـگرانه را در جامعه نشان

میدهند این گونه افراد که دچــار اُختلال روانی

وارد می شــونداز نظر عمومی، نوعی خرابی به بار می آورند به هر حال خشونت اجتماعی ورفتارهای

پر خاشــگرانه علل گوناگونی دارد که با شناسایی

و وحل ورفع آنهامی تُوان بااین مُعضل اجتماعی

رخور د مناسب کر د. به طور خلاصه، برای مقابله

بأخشونتهای اجتُماعی و مشکلات ناکشی از آن

لازم است چند نکته را در نظر داشته باشیم. در درجه اول ضرورت دارد تامهارتهای زندگی را

از سنین خردسالی به کود کان آموزش دهیم، رشد شخصی و آســتانه تحمل ناکامی را در آنان

ر بالا ببريم، روشهاى حل مسأله را به آنها آموزش دهيم، مراقب الگوهاى آموزشـــى و رفتار خود با

... همه،خودراً در مشكلات به وجود آمده و رفع آنها

سهیم بدانند تنها از این طریق است که می توان

لامت روان را در تکتـک افراد یـک جامعه

رر به افراد مثل اعضای یک خانواده باشـــ

ـتند، آرام و ُقــرارُ ندارند و به هَــر مكاني كه

پرخاشگری می کند، ا

نظریه، روانشناس اجت

، یادگیری اجتماعی، معروف

وشروعبه پرخاشگري كند

ماعى درنتيجه نيازبه كنترل نيزايجاد

میشود.برخیافرادبرای

بر آورده کردن این نیاز مرضی، کهباید کنترل امور رابه دست

بگيرندوازاينطريقاحساس

درت کنند،به دیگران

پرخاشمی کنند تابه اصطلاح،

دیگران حساب کاردستشان

بيايد!مثال|ين|فرادفراوان

است که برای پنهان کردن

.ری پاپان ران احساسحقارتعمیقخود دستبهپرخاشگریمیزنند

این گونه افراد در همه اقشار

بین موسیت جامعهنیزدیدهمیشوندمانند برخیمدیران،سیاستمداران،

كارفرمايان،كارمندانو...

از درون

همهدر آمدخانوادههاى ايرانى صرف تأمين غذامى شود

متهم:خوردوخوراك قرباني؛تفريح و آموزش

طرح نو خانواده های ایرانی بیشترین هزینسه را خرج خور د و خسوراک می کنند. در واقع در آمد، در هر ت کردی آن خانوادهای قبلی از این که بخواهد صرف تقریح، آموزش یا کار رهای دیگر شبود. در همان مرحله اول و برای نامین مایحتاج زندگی تمام می شود. به همین دلیل همرد تازه ترین آمارها، تفریح و آموزش کمترین سهمرا درزندگیروستاییوشهریدارند.البتهاینموضوع در صورتی که خانوادههامستاجر باشند،شکل دیگری ر در سے برور سے بھری حربی در سید این جو حرب کی در سرور عی پیدا می کند، گاهی اجاز دخانه رتبهاول را بهدست می آورد و می تواند زندگی را دشوار تر کند، در باره علت این که چرا خورد و خوراک تا این حدزندگی خانوادهها را تحت شعاع قرار داده با چند شهروند به گفت و گو نیستر مرکز امارا را تواند می دارستی نیستیم. هر کدامارا را آنها ایده جالبی داشتند که در نهایت نشسان می داد، کمبود در آمد والبته هزینههای اصلی زندگی که شامل خورد و خوراک است، خیلی از آنها را از انجام کارهای موردعلاقهشان بازداشته و در سطح یکزندگی عادی نگه داشته است.

> «فرهاد» دوسال اسـت که از دواج کرده او درباره بشـــترین خرجی که خانواده دونفرهشــان دارد، ... می گوید: «بین ۸۰۰ هزار تومان تا یک میلیون را هر ماه خرج خانه می کنم. این مخارج البته بیشتر بــُرای خــُـورد و خوراک اســت و بخــش کوچکی از آن هزینــه آب و بــرق و دیگر چیزهامیشــود. فوشبختانه ما مستاجر نیستیم. هر چند بهاندازه اجاًره، هرماه قسط وامهای مختلف را می دهیم اما درنهایت خیالمان راحت است که خانه برای خود ت.، «فرهاد» درباره هزینههای بالای خورد و خوراک در خانه می گوید: «بیشسترین دلیلی کُه باعث می شود تا این حد هزینه خوراک در خانواده ما بالا باشد، اُین است که ما مُعمولاً اُز فروشُگاههای زنجیر های خرید می کنیم وقتی هیم که در این فُروشُگَاهها باشید، تحت تأثیر ً خوراکیهای جُدید . و لوکس قرار می گیریم و ســعی می کنیم هر چیز جُدیدی را تست کنیم. برای همین هم درنهایت متوجه میشمویم که چقدر از پولمان را بابت همین خوردنیهای تازه و تا حدودی لوکس خرج کردهایم. دومین خرج هـم مربوط به هزینههایی می شـود که انتظارش را نداریم. جالب این جاست که هرماُه هم از این خرجُها پیش میآید. از تعمیر وسایل بگیر تاهدیه گرفتن برای دوستان و آشنایان و خرید یک کالای ضروری برای خانه. قدیم ترهابه و خرید یک کالای ضروری برای خانه. قدیم ترها به این هزینه ها برج می گفتند و واقعا هم هرماه پیش می آیدو ما را از انجام خیلی از کارها بازمی دارد.» ی تر ر ر ر ۱۰ تی ر در داد. «زهــرا» ۳۲ ســاله اســت و ۵ســال از زندگــی مشــتر کش می گذرد. او بیشتر هزینههای زندگی مشــترُ کش را مربوطُ بهُ هَزِینهُ خُــورد و خُوراک میداند و می گوید: «من فکر می کنم در حال حاضر، یاری از هزینههای خانوارها، صرف خورد و بسیباری از مزینههای حضورهه نصری خورد و خوراک آنها می شود و در خاندادها ما هم وضع برا همین منوال است.ماهیانه بیشترین هزینه زندگی ما به خوراکمان تعلق دارد و این درحالی است که ما یک خانواده دونفره هستیم و فرزند هم نداریم

> این هزینه هم مربوط به خــور د و خور اک عادی ت کرد کرد و روزمره است و شاید در ماه چندبار از غذاهای تهیه شده در بیرون استفاده کنیم. اما این هزینه ها ه. گاهی به شکلی است که بسیاری از هزینه های دیگر را تحتالشعاع خود قرار می دهد و ما را از خیلی کارهای دیگری که به آن علاقه داریم، باز مـــی دارد. برای مثال ما نمی توانیـــم هزینه ای را بهصورت اختصاصی به تفریح یـــا رفتن به تئاتر و . کنسرت موسیقی اختصاص دهیم و درحقیقت ایس هزینهها در سبید خانــوار ماجایــی ندارند. رحال حاضر وضع به شکلی است که زندگی افراد به ابتدایی ترین سطح نیازهای روز مره خلاصه شده و این نگرانیهای بسسیاری را برای آینده به دنبال ری ری ری کی در ایران را در این می اورد و این نگرانی وقتی خیلی بیشت رمی شود که یک خانواده مسکن شخصی هم نداشته باشد. در ایس صورت پرداخت اجاره مسکن نیز در نوع ر ۔ ۔ ۔ ر ر ۔ ۔ ۔ ر خودمعضلی است که بەراحتی نمی توان از آن گذر کرد و هزینه ناشی از جابهجایی های مکرر و اجاره کن بر دوش بسیاری از خانوادهها سنگینی

و قطعا با آمدن یک بچه این وضع بدتر هم خواهد

ده؛ هــم در ابتدا ايــن موضــوع را تأييد استپیده هید: «ماچسن موضعه را بیده اید می کند. او می گوید: «ماچسن اجاره خانه نداریم و دانشگاه آزاد و آموزش هم نداریم و خیلی بیرون غذا می خوریم درمسورد ما هم ممکن است این مساله صدق کندامااین وقتی درست است که هزینه مسکن و تحصیل و قسط رااز آن جدا کنیم. فکر کنید کسی که یکمیلیون و ۲۰۰هزار تومان درآمد دارد و ۷۰۰هزار تومان آن را بهعنوان اُجاره خرج می کند یا کلی قسط دارد، نمی تواند بگوید که بیشترین هزینهاش صرف خُوردو خوراک می شود. بااین حال نمی توانم باقطعیت بگویم و بستگی دارد که چند در صد جمعیت مستاجر باشند. اما در مور د تهران بهنظُرم اینطور نیست و این موضوع ُشاید در سطح ملی درست باشد. این شاید با هزینههای تفریحی و فرهنگی نسبتی داشته باشد، مثلااین که مردم برای تفریح و فرهنگ پول خرج نمی کنند یا ندارند که خرج کنند. یعنی یا فرهنگش را نداریم

یا پولش را که خرج سفر، سینما، کتاب، تئاتر و... کنیم. بااین حال فکر کنم این نتیجه را هم باید با

ما، کتاب، تئاتر و۔

بقیه کشورهامقایسه کرد.» «مهدی» ۵سال اســت که ازدواج کرده و معتقد است: «خرید روزمـره بیشــترین هزینههای ما اسـت، چــون اجارهخانـه نمیدهیم، جــدای از قسطها ووامها بيشترين هزينهها بسه خوراك برمی گردد. هزینه تفریحمان خیلی کم است به خاطر این که اگر پولش را هم داشته باشیم وقت آزاد نداریم و شاید در فصل سفرهای یکروزه برویم چون مرخصی گرفتن سخت است. تفریحات معمولمان هم سینما و رستوران یا دور زدن است. بین اطرافیانم هم کسانی که بچه دارند بیشتر . هزینههایشـان صرف بچه میشــود، چه لباس ، و تفریحات و چه دارو و درمان. فکر می کنم مردم چـون مشغله کاری دارند دیگر وقت و انرژی ۳ برنامهٔ ریزی برای تفریح و سفر را ندارند و به همین دلیل تفریــح در هزینههای ما کمترین ســهم را

يشتر هزينههاى مابراى اجارهخانه است وبعد با یک فاصّلــه کمی خرج خورد و خوراک اس . .. اینها را «فاطمه» می گوید و ادامه می دهد: «قبلا در سبد کالای ما چیزهای دیگر هم بود اما چون جارهخانه زیاد شـده بقیه حذف شدند. مثلا سفر ، برر - درید صحاب بید رفتن از سبد کالایی ما هر سـه ماه یکبار حذف شده و تبدیل به سـالی یکبار شده است. چیزهای دیگر مُشل خرید دایم پوشاک اگر قبالادو ماه یکبار، یکقلم جنس بوده، تبدیل شده به هر پنج ماه یکبار. چندوقت پیش یک عکاس، تحقیقی بینالمللی از سبد خرید خانوادههای ۷۰ کشور را انجام داد و قیمتش را به دلار نوشته بود در آن سطح هزینه و درآمداست که بیشترین هزینهمان به خـوراک اختصاص پیدا می کند. اگر نسـبت برابری بین هزینه و در آمد بود، این اتفاق نُمی افتاد. ۔ جارہخانہ و خوردو خوراک شود.»



دغدغه كاراجتماعي درناخود آكاه همه

حوزہ اصلی کاری من عکاسے است و چون زمان زیادیُ در گیر این حرفه هستم کمتر فرصُتُ می کنم . با به کارهای دیگر بپردازم اما این به این معنا نی ئەدغدغە كاراجتماعى ندارم وبەطور كلى ازاين فضا دور هستم. برعکس من سعی می کنم به این دغدغه به خصوص زمانی که مشغول تدریس هستم، بپردازم. من هنگام عُکاسے به دانشُـجُویانم دید فرهنگی و اجتماعی می دهم و سعی می کنم به آنها یاد بدهم ولین چیزی که از لنز دوربینشان میبینند، مسائل . به دیدن تئاتر بروم یا کارهای فرهنگی انجام دهم یادر

. رویمردمومخاطبانداشتهباشن

جهان دوم

نهضت ضد وایبر ادامه دار د...

منكهاز يانخواهمنشست

مُرضُ کردم که سُرگرمشــدن به جُوکُهای تُکراریُ و خواندن جمـــلات بیفایده و انبـــازی در گروههای مُجازَی فرصت واقعـی خواندن و کتــابُ خواُندن را از ما می گیـرد اگرچه مــن به صراحت نوشــتم که منظورم این نیست که وایبر نخوانید که به جایش روزنامه بخوانید، معذلک دوستان بزرگواری برایم پیغام فرستادهاند که روزنامههای موجود چنگی در حالی که روز نامه هانه تنها ملاحت و وجاهت ندار ند وانیزشک رامی شناسید که به مریضش توصیه کند و بی رمق شدهاند و در حلقه های دانایی کاربردشان را از دست دادهاند. روزنامه ها هم مثل وایبر ادای آگاهی بخشیدن و ترویج دانایی درمی آورند و دانسته بر غفلت و ابتذال دامن می زنند. ضمن این که در داغی بازار دیجیتال، دچار کسادی و سردی و بی مزگی شُدُهاند و جذّابیت های خود را از دستُ دادهاند کسی با روزنامه، ولو با صفحه اندیشــهاش، از پیله ابتذال و غُفلُتُ بیرونُ نَمی آید. ما می نویسیم و چُاپ می کنیمُ و منتشر می شویم در حالی که خبرهایمان سوخت فته، تحليل هايمان تكراري شده وجذابيت هايمان ته کشیده مااز ماهواره وفیسبوک ووایبر عقبافتاده ایمو بازی را به شبکه هاو خبر گزاری هاواگذاشته ایم. صریح بگویم؛ ما یا بهورطه ابتذال در غلتیدهایم یا بیاعتنا به مشـــتری و بازار و مخاطب برای دل خودمان و بیشتر به ســودای شــراکت در تجربههای سیاسی و رخنه در مناســبات قدرت مــ نه ســـــه حا به مسودای شیراند در تجربههای سیاسی و رحنه در مناسبات قدرت می نویسیم و چاپ می کنیم و خودمان و بقیه را به رحمت می آندازیم در این میان زمانسودایی تر آنها هستند که جدیمان می گیرند و فکر می کنندمنشاً آثریم و خوب وبدمان جامعه را بهخوبی و بدی می کشاند مگر کسی ما را می خواند؟ . روی را در است کی در کی از کی از کی از کی از کا است دو خبسری را در صفحه یک مهم ترین و پسر تیراژ ترین روزنامه کار کنید و همزمان خبری

بينيدروز نامه باهمه اهن و تليش نوشته روى يخي را ناقصم میفهمم که ماُرجحانی بسر وایبر و واتسآپ نداریم. یک پله بالاتر بروم و بگویم که کتاب خواندن هم رجحانی بر روزنامه ندارد. یعنسی کتاب خواندن ــت كُه به آن بباليم و خودُ را به فینفسه چیزی نیست که به ان ببالیم و خود را به واسطه آن از دیگران متمایز سازیم مابایدبه حلقههای دانایی بپیوندیم وبه جای کتاب خواندن ولقلقه لسان و عادت چشم تبدیل به کتاب هایی شویم که تاریخ تفکر و تمدن بشر را ساخته اند فارنهایت چهار ، پنج، یک ر در یادتان هست که چطور در غلبه ابتذال کتابسوزی، معدودی روشــنفکر، تبدیــل به «جنــگ و صلح» و ر حیارت و مکافات، و «پدران و پســران، شده بودند؟ ماهم باید با تشکیل حلقههای دانایی تبدیل به کتاب شویم. نه تبدیل به "قورباغهات را قورت بده" و امردان مریخی و زنان ونوسسی و امهارتهای زندگی، واز ین قبیل. کتاب خواندن که به خودیخود فضیلتی "ی ندارد،اینجور کتاب هاهم|صلافضیلتنیستند.کتاب خوب خواندن اماهنر است و بهخصوص تبدیل شدن به اژیده و اهسـه و اداستایوسـکی و اتورگنیف، و اتولسـتوی، و ـ هنری اسـت که همه کس را توان نرکش نیست. در محاصره اطلاعات مبتذل و ادبیات ر روزنامهای و از دحام امواج سایبری باید راه و رســم گوشهنشــینی و بریدن از خلق و همنشینی با حافظ و سُعدی و شیخ عَطار و اُبوسَعید و حکیم سنایی و فردوستی و بزرگان ادب فارستی را پی بریزیم و خود ابه مدد انفاس زکیه عارفان و ادیبان و حکیمان، از طح صفر بالا بكشــيم. در «خداحا گاری کوپر» یادتان هست به این سطح صفر ملال آور چه می گفت رومن گاری؟ ما هم به این س پ لوده شده ایم و چارهای جز ترویج دانایی و اتصال به حلقههای معرفتی و تبدیل شدن به کتابهای خوب نداریم. نگذارید تلویزیون و روزنامه و وایبر و واتس آپ به وقت و ذهن و ضمیرتان تجاوز به عنف کنندو به یکی چون همه تبدیلتان کنند به مدد کتاب خوب، خودتان را از این سطح صفر بالا بکشید و در عالم وشنفکری وار د شوید. لازم به ذکر نیست که عالم رر روشنفکری باادای روشنفکری فرق دارد شما بهتر از من می دانید که این ادابازی ها خود صورت پلیدتری از

دمدستى رادر شبكه هاى مجازى به گردش بيندازيد تا

نقات و ملحقات دستویاگیرش نوشتم و

پیدار مرسده تا داروردستای بو بود. به دل نمیزنند و چیزی بیش از وایبسر برای عرضه ندارند و حتی از صراحت و نمک وایبر و توابعش هم بی نصیبند. لااقل وایبر لحظـهای اوقات آدم را خوش می کند و دوستان از هُم جدامانده را به هم می رس بلکه اوقات خُــوش آدم را نیز تلـخ می کنند و یاس و ســیاهی را به جان آدم می اندازند. کدام روانشناس و . "." من باروز نامه بدنیستچ، بلکه خود جزیی از آنم امامنکر این واقعیت نمی توانم شد که روز نامه ها حوصله سر بر

چند روز پیش اگر یادتان باشد درباره ابتذال فراگیر

ير ادامه دارد... من که از يا تحواهم نسست: عصب صد واسر ادامه دورد... من چه از یا حجوهم نسست. گرکدن نامه/ کریز از این سطح صفر ملال آور حد روز بیش اگر بادنان باشید درباره اشدا، فراگیر واییز و فستمات و ملحفات دست.

کند و باش و سیاهی را به خان آدم می اندارند. گذام روانشناس و رواد دی شناسید که به مربصش توصه کند روزنامه بخواند؟ حتی پرستك گوش و حلق و

حد روز بیش اگر باشان باشد برباره اشداد فراهن وامن و مشخصات و ماحفات دست.
و باگیریش نوشتم و عرض کردم که سرگرم شدن به جوف های تکرار ک و خواندن
حملات پی فارده و ایدارت در گروه های محرات فرصت واقعی دیواندن که خان خواندن
تحواید که به خانین روزمانه خداولید بی قائل فرصات بروگرای در امم به مهاد فرصنات
تحواید که به خانین روزمانه خداولید بیش قائل فرصات بروگرای در امم به مهاد فرصنات
تدریان که و روزمانه های موجود جمکس به کا به نمین زید و جدیک بیش از وامید برای عرضه
تدریان به حرب ای برای در و در ملف وابد و نراهسی مه دی دست به نالا فرصات باشا در خالی
ارفاک افرم را خوش می کند و موسات از آهر مداخله در آن خدم می رساند در حالی
که در باشد ها به شیما ملاحق و و خافت نیزند ناکه ارفاک خوص آمر را اید رای می
کند و باشد سیاه در با مداکند که دولک خوص آمر را اید رای می
کند و باشد سیاه در با حداد است باشد نیزند ناکه درگیات خوص آمر را اید رای می

از صفحه سیدعلی میرفتاح All Mitrattah

دینری برطوک ترم چرا ده کردی کنیده دعمه عدم فرهنگی و احتماعی به صورت نامجد اگاه در مورد همه آدمهاو جوددار در تنهانتوه برداختن به آنهاست که با یکدیگر تفاوت دارد انرژی می بیشتر روی کارم متمر کر است اماوقتی خروجی کارم ایریورن می دهم سعی می کنیم به صورت حاشیمای تکاهی به مسائل اجتماعی داشته باشم. این مسائله را من در عکس هاو اجتماعی داشته باشم. این مسائله را من در عکس هاو اسم من معتقدم در خیلی از مواقع ستقیم تأثیر چندانی ندارد، وقتی تو تأثبر داشـــته باشـــ میتوانی به یک نفر دیــداجتماعی بدهی. هنرهای تهی سوی به یک سر میست بسته ی به این امرادی تجسمی، شعر و عکاسی از نظر من می تواند مبنایی برای پر داختن به مسائل اجتماعی باشد و تأثیر زیادی

آخر هفته

ـود حس کــردم و آن رااز طر؛

یں۔ درکر کررن دیگری برطرف کردم چرا کہ فکر می کنم دغدغه کار

می شُود که خبر از بروز نوعی خشونت در جامعه می دهداحتماشماهم باصحنه هایی مشابه موارد زیر روبه روشده اید؛ آتش زدن یا تخریب سطل های زبالــه در خیابانها، پاره کــردن روکش صندلی اتوبوس یا نوشــتن یادگاری روی آنها، آتشزدن جنگلها،ستعمال دخانیاتدرمکانهای عمومی و سربسته، پاره یا مچاله کردن اسکناسها، شکستن شیشههای ایستگاه اتوبوس، تخریب یا دزدیدن تلفنهای عمومی در سطح شهر، خط نداختسن روی خودروهای مدل بالا، در گیری جدی تری از «خشونت اجتماعی» که امروزه شاهد

نيم مانند پديده اسيد پاشي! آنچه عنوان شد، تنها چند نمونده از موارد ت که هر روزه با آنها مواجّه می شویّم این رفتارها در ادبیات روانشناسی «پرخاشگری» ده می شود روانشناسان، پرخاشگری را رفتــاری میدانند کــه قصــد آن صدمهزدن ری می یا کلامی) به افراد دیگر یا نابود کردن

دارایی آنهاست. مفهوم اساسی در این تعریف قصد و نیـت فرد اسـت که ریب دره است به تعیین کننده پرخاشگرانه خ**شونتاجت** بودن یا نبودن عمل است. بنابرایسن، اعمال سیهوی و غيرعمد جزو رفتارهاى پرخاشــگرانه نمیشوند. در مثالهای ذکر شده بالا، عمدیبودن و نیت قبلی وجـود دارد. در نتیجه مى توانيىم آنها را در د فتارهای پرخاشگرانه قرار ر مرکز دهیم اما پرخاشگری چرا بهوجود مىآيد؟ سريعترين پاسـخ این اسـت، وقتی که ، افراد مهـــارت زندگیکردن . رفتارهای پرخاشگرانه را

در پیش بگیرند. برای مثال،

. از مهار تهای زندگی پایه اســت که هر فردی در برخورد با مشكلات مى تواند از آن استفاده كند و رر مشکل را به مسأله قابل حل تبدیل کرده و از این طریق تهدیدرا تبدیل به فرصت کند.امامتاسفانه بیشت افراد در این زمینه دچار فقر اطلاعاتی ندوبا پيش آمدن كوچكترين مشكل، آسان ترین و بی نتیجه ترین و البته مخرب ترین راه، یعنی پرخاشگری یاهمان خشونت اجتماعی را برمی گزینند. خشــونت اجتماعــی در نتیجه ناکامی نیز حاصل می شود. بدین صورت که وقتی فردی در راه رسسیدن بــه هدفی به مانعی رخــوردمی کند و برای رســیدن بــه آن هدف شُگری می کند. این موانع که ممكن استُ مسائل مُختلفي اعم از افراد ديگر باشند، هدف پرخاشــگري فرد ناکامُشــُده قرارُ می گیرند. برای مثال، در گذشــته دانش آموزان زیادی پشــت کنکور میماندند و پس از ســالها تـــلاش و تحمل محرومیتهایی مثل گذشـــ از تفریحات،بازهم برای چندمین سال موفق به قبول شدن در کنکور و ورود به دانشگاه و تحصیل در رشته مورد علاقه نمی شدند. در چنین وضعی، این افراد یا برای همیشه ترک تحصیل می کردند زُ خُودنشًان می دادند، حرفه ای را برای خود برمے گزیدندومشغول مے شدندیادر برخے موارد (مُطابِقُ اطلاعاتی که منتشر شده اس متوجه خود كرده ودست به خودكشى واقداماتى از این قبیلُ میزدند. چنین رفتاری (هر دو روش) از منظر تعریف روانشناسانه، بهنوعی پرخاشگری